

## از پست و بلند ترجمه فیلم<sup>۱</sup> (۱)

### بن هور

#### فرزانه شکوهمند

بارها شنیده‌ایم که از صنعت دوبله ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب، تمجید شده است. برخی می‌گویند در خاورمیانه، برخی می‌گویند در جهان، کم‌نظیر است. ولی دوبله فیلم بدون ترجمه بی‌معنی است. اگر ترجمه بد باشد، از دست مدیر دوبلاژ یا صدایشگان چه کاری برمی‌آید؟ یک‌دهم بلکه یک‌صدم آنچه که درباره دوبله و دوبلور-ها صحبت شده درباره ترجمه‌های فیلم و مترجمان فیلم صحبت نشده است. به همین دلیل است که حتی سینمادوستان حرفه‌ای هم نام مترجمان فیلم را نمی‌شناسند. وقتی نام مترجم مطرح نمی‌شود، وقتی به کار ترجمه فیلم بهای لازم داده نمی‌شود، چرا باید مترجمان کارشان را جدی بگیرند؟

ترجمه خوب می‌تواند لذت دیدن فیلم را دوچندان کند. ترجمه بد هم می‌تواند لذت دیدن فیلم را بگیرد و بیننده را گیج یا عصبانی کند. در فیلم گربه روی شیروانی داغ، اکثر بازیگران فیلم پدر و مادر پل نیومن را *Big Daddy* و *Big Mama* خطاب می‌کنند. این عبارات در ترجمه تبدیل شده به پدربزرگ و مادربزرگ، حال آنکه بیننده می‌داند که آنها پدر و مادر پل نیومن هستند نه پدر بزرگ و مادر بزرگ آنها. در فیلم بانوی زیبای من، آدری هپبورن دختر گل فروشی است که زبان انگلیسی را بسیار «لاتی» صحبت می‌کند. در جایی از فیلم عصبانی می‌شود ولی در عین حال می‌خواهد زبان لاتنی خود را پنهان کند و وانمود کند که دختر باکلاسی است به طرف مقابل می‌گوید «به تو مربوطیتی نداره»، جمله‌ای که هنوز در خاطر سینمادوستان باقی مانده است.

---

<sup>۱</sup> عنوان این بخش را از نام کتابی از مرحوم کریم امامی با نام «از پست و بلند ترجمه» وام گرفته‌ام تا یادآور نام و خاطره این همکار عزیز ما باشد. روحش شاد. در ضمن برخورد لازم می‌دانم از استادم دکتر علی خزاعی فر که فکر نوشتن این بخش پیشنهاد ایشان بود تشکر کنم.

هدف این بخش، همانطور که از عنوان آن برمی آید، این است که بهترین و بدترین ترجمه‌های فیلم را معرفی کند. از خوانندگان محترم که به این موضوع علاقه‌مندند درخواست می‌کنیم با ما همکاری کنند و فیلم‌هایی را که گمان می‌کنند بدلیل خوب بودن یا بد بودن ارزش مطرح شدن در این بخش را دارند به ما معرفی کنند.

فیلمی که برای اولین شماره انتخاب کرده‌ایم فیلم بن‌هور است. بن‌هور داستان شاهزاده‌ای یهودی به نام جودا بن‌هور است که دوست رومی‌اش مسالا ناجوانمردانه او را به جرم سوءقصد به جان فرستاده سزار دستگیر و به بردگی می‌فرستد و مادر و خواهرش را نیز روانه زندان می‌کند. بن‌هور که سرشار از کینه و پُر از میل به انتقام از مسالا است سال‌ها بعد پس از ماجراهای بسیار به وطن خویش باز می‌گردد و مسالا را در یک مسابقه ازابه‌رانی شکست می‌دهد ولی متوجه می‌شود که پدر و مادرش در سیاهچال جزام گرفته‌اند، و این هم‌زمان می‌شود با مصلوب کردن مسیح به دست رومی‌ها. فیلم بن‌هور به کارگردانی ویلیام وایلر، محصول سال ۱۹۵۹ و برنده یازده جایزه اسکار است. این فیلم تا سال‌ها رکورد پرخرج‌ترین و پراسکارترین فیلم تاریخ سینما را یدک می‌کشید. فیلم بن‌هور در سال ۱۳۴۰ در استودیو دماوند دوبله شد. مترجم فیلم بابک ساسان از پیشکسوتان ترجمه فیلم در ایران است. ساسان، به گفته خود در گفتگو با مجله فیلم (شماره ۲۲۷)، کار ترجمه فیلم را به طور جدی از ۱۳۳۶ و به طور حرفه‌ای از ۱۳۳۸ در همکاری با استودیو مولن‌روژ و مرحوم ایرج دوستدار شروع کرده است. بیش‌تر به فیلم‌های تاریخی علاقه‌مند است و برخی از فیلم‌هایی را که ترجمه کرده عبارت است از: کتاب آفرینش، بن‌هور، اسپارتاکوس، لورنس عربستان، بانوی زیبای من و آخرین امپراتور.

در این بخش روش ما این خواهد بود که نمونه‌هایی از ترجمه را به همراه اصل آن می‌آوریم تا خوانندگان، خود درباره کیفیت ترجمه قضاوت کنند. البته زیر مواردی که افزوده شده یا حذف شده خط می‌کشیم و مواردی را که غلط ترجمه شده در پرانتز اصلاح می‌کنیم. امید است این بخش تاحدی به ما نشان بدهد که در دنیای پُرحادثه ترجمه فیلم چه می‌گذرد و آنچه ما تحت عنوان ترجمه فیلم می‌بینیم تا چه حد به واقعیت فیلم نزدیک است.

در مورد ترجمه گفتگوهای فیلم بن‌هور، آنچه در خور توجه است این است که اگرچه فیلم تاریخی است اما بازیگران کاملاً رسمی صحبت نمی‌کنند و کلمات را غالباً

می‌شکنند؛ درعین حال صحبت‌های آن‌ها با صحبت‌های امروزی کاملاً متفاوت است و حس تاریخی به بیننده منتقل می‌شود. این شیوه ترجمه کردن که هم حس تاریخی را به بیننده منتقل کند و هم حس محاوره‌ای بودن را، کار شگفتی است که در تقریباً تمامی گفتگوهای فیلم دیده می‌شود.

**Ben-Hur:** Rome is an affront to God. Rome is strangling my people and my country and the whole earth, but not forever. I tell you, the day Rome falls, there will be a shout of freedom such as the world has never heard before.

**بن‌هور:** وجود روم توهین به خداست. روم صدای ملت منو در سینه خفه کرده. صدای تمام مردم دنیا رو. ولی برای همیشه نمی‌تونه. روزی که روم مظهر ظلم و بی‌عدالتی سقوط کنه فریادی از آزادی خواهی در دنیا بلند میشه که کسی تا حالا نشنیده باشه.

**Ben-Hur:** Find them, Messala. Restore them to me and I'll forget what I vowed with every stroke of that oar you chained me to.

**بن‌هور:** پیداشون کن مسالا! اونا رو به من برگردون. منم فراموش می‌کنم با هر پارویی که می‌زدم چه عهد و پیمانی با خودم می‌بستم.

**Messala:** Be wise, Judah. It's a Roman world. If you want to live in it, you must become part of it... I've seen the world since I left Jerusalem. I've seen Rome. It's no accident that one small village on the Tiber was chosen to rule the world...It wasn't just our legions. Other countries have armies, fine armies. I know, I fought them. Oh, no. No, it was fate that chose us to civilize the world. And we have. Our roads and our ships connect every corner of the earth, Roman law, architecture, literature are the glory of the human race.

**مسالا:** عاقل باش جودا. اینجا متعلق به رومه. (دنیا دنیای رومه / دنیا یعنی روم). تا وقتی که اینجا (تو این دنیا) زندگی می‌کنی در حقیقت یه رومی هستی... از وقتی از اورشلیم رفتم دنیا رو دیدم. روم رو دیدم. متوجه شدم این از اتفاق و تصادف نبوده که قریه کوچکی به دنیا حکومت کنه... فقط از نیرومندی سپاه روم نیست. کشورای دیگه هم

نیروی نظامی مجهز دارن... اینو می دونم چون باهاشون جنگیدم. اوه نه! تقدیر ما رو انتخاب کرده تا دنیا رو متمدن کنیم. و کردیم. جاده‌های ما، کشتی‌های ما چارگوشه دنیا رو به هم وصل کردن. قوانین و معماری و ادبیات ما افتخار بشریته.

**Arrius:** [to Judah] You have the spirit to fight back but the good sense to control it. Your eyes are full of hate, Forty-One. That's good. Hate keeps a man alive. It gives him strength.

آریوس: معلومه روحیه خوبی برای مبارزه داری، ولی خوب می‌تونی کنترلش کنی. چشمای تو پر از نفرت، چهل و یک. خیلی خوبه. نفرتی که آدمو زنده نگه می‌داره. بهش قدرت می‌ده.

**Simonides:** Do not pity me, Master Judah. In fact, I'm twice the man I was. There's Mallet, my other half. We met in the dungeons at the citadel. We were released on the same day, Mallet without a tongue and I without life in my legs. Since then, I have been his tongue and he has been my legs. Together, we make a considerable man.

سیمونیدس: برای من متأثر نباش جودا. در حقیقت من دو مرد شدم. اون نیمه دیگم اونه، مالات، ما تو سیاه‌چال همدیگرو دیدیم. هر دومون در یه روز آزاد شدیم. مالات بدون زبون و من بدون ذره‌ای قدرت در پاهام. از اون روز تا حالا من زبون اون هستم و اون قدرت پاهای من. با هم یه موجود فوق‌العاده‌ای شدیم.

**Esther:** I've seen too much what hate can do. My father is burned up with it. But I've heard of a young rabbi who says that forgiveness is greater and love more powerful than hatred. I believe it.

استر: من دیدم که نفرت و کینه چیکار می‌تونه بکنه. این نفرتی که پدرمو از پا درآورد. ولی من از یک استاد جوان شنیدم که می‌گفت، عظمت بخشش بیشتره، قدرت عشق بیشتر از کینه‌ست. من به این حرف معتقدم.

**Judah:** If you were not a bride I would kiss you goodbye.

**Esther:** If I were not a bride there would be no goodbyes to be said.

جودا: آگه عروس نبودی به عنوان خداحافظی می‌بوسیدمت.  
استر: آگه عروس نبودم، اصلاً خداحافظی معنی نداشت.

**Sheik Ilderim:** Judah Ben-Hur, my people are praying for a man who can drive their team to victory over Messala. You could be that man! You could be the one to stamp this Roman's arrogance into the sand of that arena. You've seen my horses. They need only a driver who is worthy of them. One who would rule them with love and not the whip. For such a man, they would have raced the wind.

شیخ ایلدریم: جودا بن‌هور، مردم اینجا همیشه دعا می‌کنن یکی پیدا بشه با اسبای من مسالا رو شکست بده. تو می‌تونی اینکارو بکنی! تو تنها کسی هستی که می‌تونه غرور و نخوت رومی‌ها رو لگدکوب کنی. تو اسبای منو دیدی. فقط احتیاج به کسی دارن که خوب هدایتشون کنه. با خنده و شوخی، نه به زور شلاق. در این صورت اونا به سرعت باد میدون.

**Balthazar:** And your way is to kill him. I see this terrible thing in your eyes, Judah Ben-Hur. But no matter what this man has done to you, you have no right to take his life. He will be punished inevitably.

بالتازار: می‌دونم مقصود تو کشتن اونه. من این تصمیم خطرناکو در چشمای تو دیدم، ولی هر عملی نسبت به تو کرده باشه، تو حق کشتن اونو نداری. اون دیر یا زود مجازات میشه.

**Messala:** Triumph complete, Judah. The race won. The enemy destroyed.

**Judah:** I see no enemy.

**Messala:** What do you think you see? The smashed body of a wretched animal! Is enough of a man still left here for you to hate?

...You think they're dead. Your mother and sister. Dead. And the race over. It isn't over, Judah. They're not dead.

مِسالَا: پیروزی تو کامل شد، جودا. مسابقه رو بردی. دشمنت نابود شد.

جودا: من دشمنی نمی بینم.

مِسالَا: پس چی می بینی؟ بدن خورده شده یک حیوان بیچاره! هنوز اونقدر از وجود یه مرد باقی مونده که ازش متنفر باشی...خیال میکنی اونا مردن؟ مادرت و خواهرت مردن؟ مسابقه تموم شده. تموم نشده جودا. اونا نمردن.

**Judah:** I have just come from the Valley of Stone. My mother and sister live what's left of their lives. By Rome's will, lepers, outcasts without hope... Their flesh is mine, Lord Pilate. It already carries Rome's mark...carries Rome's mark...the deed was not Messala's. I knew him, well, before the cruelty of Rome spread in his blood. Rome destroyed Messala as surely as Rome has destroyed my family.

جودا: من الان از دره جزامی ها به این جا میام. جایی که روم مادر و خواهر منو زنده به گور کرد. اونجا عده ای مطرود زندگی می کنن. البته اگه بشه اسمشو زندگی گذاشت... گوشت اونا گوشت بدن منه و روی گوشت اونا داغ روم نقش بسته... این عمل مربوط به مِسالَا نبود. من می شناختمش، بی تقصیر بود. این روم بود که اون رو مبدل به مرد ظالم بی رحمی کرد. روم بود که مِسالَا رو از بین برد، همون طور که فامیل منو به نابودی کشید.

**Pilate:** Where there is greatness, great government or power, even great feeling or compassion, error also is great. We've progressed and matured by fault. But Rome has said she is ready to join your life to hers in a great future...The voice, for instance, of Arrius waiting for you in Rome. He would tell you if I may speak in his place not to crucify yourself on a shadow such as old resentment or impossible loyalties. Perfect freedom has no existence. The grown man knows the world he lives in, and for the present, the world is Rome. Young Arrius, I am sure, will choose it.

**پیلات:** جایی که عظمت هست، قدرت فرماندهی بزرگ هست، حتی عواطف بزرگ انسانی هست البته اشتباه بزرگ هم هست. ما تا اشتباه نکنیم بزرگ نمی‌شیم. ولی روم گفته که تو رو خواهد پذیرفت و در آینده درخشانش سهم خواهی بود... بله مثلاً صدای آریوس که در روم منتظر توئه. اون به تو خواهد گفت، اگه من به جای اون باشم میگم که به خاطر یک کینه دیرینه یا ایمان به یک پیروزی غیرممکن زندگی خودتو به باد نده. آزادی کامل هیچ وقت وجود نداره. انسان باید دنیایی رو که در اون زندگی می‌کنه بشناسه. و در حال حاضر دنیا یعنی روم. مطمئنم که آریوس جوان، روم رو انتخاب خواهد کرد.

**Pilate:** I cross this floor in spoken friendship as I would speak to Arrius. But when I go up those stairs I become the hand of Caesar, ready to crush all those who challenge his authority. There are too many small men of envy and ambition who try to disrupt the government of Rome. You have become the victor and hero for these people. They look to you, their one true god as I called you. If you stay here, you will find yourself part of this tragedy.

**پیلات:** من تا وقتی که این پایین هستم مثل یک دوست آریوس با تو حرف می‌زنم ولی وقتی اون بالا برم نماینده قدرت سزار خواهم بود، که آماده‌ست تمام کسانی رو که علیه اقتدار سزار مبارزه می‌کنن نابود کنه. شنیدم عده‌ای خیال نابودی فرماندار به سرشون زده. تو با اون پیروزی در نظر اونا قهرمان بزرگی شدی. اون‌ها به تو مثل یک خدای واقعی نگاه می‌کنن اگه اینجا بمونی، سرنوشت تو هم مثل اونا غم‌انگیز خواهد بود.

**Esther:** 'Blessed are the merciful, for they shall obtain mercy. Blessed are the peacemakers, for they shall be called the children of God.'

**Judah:** Children of God! In that dead valley where we left them? I tell you, every man in Judea is unclean and will stay unclean until we've scoured off our bodies the crust and filth of being at the mercy of tyranny. No other life is possible except to wash this land clean.

**Esther:** In blood?

**Judah:** Yes, in blood.

استر: خوشبخت کسی به که می‌بخشه چون بخشیده خواهد شد. مردم صالح خوشبختند چون آن‌ها فرزندان خدا نامیده خواهند شد.

جودا: فرزندان خدا! اونایی که تو اون دره مرگ هستن چه گناهی کردن؟ تمام افراد سرزمین جودیا تا وقتی که خودشونو از شر این مردم ظالم و خدانشناس خلاص نکنن ناپاک و ننگین خواهند بود. زندگی برای ما معنی نداره مگه اینکه این سرزمینو از وجود اونا پاک کنیم.

استر: با خون؟

جودا: بله، با خون.

**Esther:** I know there is a law in life. That blood begets more blood as dog begets dog. Death generates death. The vulture breeds the vulture. But the voice I heard on the hill today said, 'Love your enemy. Do good to those who spitefully use you.'

**Judah:** All who are born in this land hereafter can suffer as we have done.

**Esther:** As you make us do now! Are we to bear nothing together, even love?

**Judah:** I could hardly draw a breath without feeling you in my heart. Everything I do from this moment will be as great a pain to you as you have ever suffered. It is better not to love me!

**Esther:** It was Judah Ben-Hur I loved. What has become of him? You seem to be now the very thing you set out to destroy, giving evil for evil. Hatred is turning you to stone. It's as though you had become Messala! I've lost you Judah.

استر: اینو می‌دونم هر خونی که ریخته بشه باعث خونریزی بیشتری می‌شه. سگ از سگ دیگه‌ای به وجود میاد (همانطور که از سگ، سگ زاده می‌شه). هر مرگی مرگ دیگه‌ای به دنبال داره. کرکس از کرکس تولید می‌شه (همانطور که گرگ زاده گرگ می‌شود). ولی صدایی که من امروز می‌شنیدم می‌گفت دوست داشته باشین. به کسانی که به شما بدی می‌کنن خوبی کنین.

جودا: تمام کسانی که بعد از این در این سرزمین به وجود بیان مثل ما رنج خواهند کشید.



استر: همونطوری که تو باعث رنجمون شدی! ما هیچ چیزو نمی تونیم باهم تحمل کنیم، حتی عشقو؟

جودا: وقتی تو در آغوشم نیستی احساس می کنم نمی تونم نفس بکشم (من با هر نفسی که می کشم تو رو تو قلبم احساس می کنم) اینم میدونم که بعد از این هر کاری بکنم باعث درد و رنج بیشتری برای تو خواهم شد. بهتره منو دوست نداشته باشی!

استر: من جودا بن هور رو دوست داشتم. ولی تو حالا چی شدی؟ مبدل به یک موجود بیچاره ای شدی که میخوای جواب بدی رو با بدی بدی. تو الان درست مثل مسالا شدی! من تورو از دست دادم جودا.

\*\*\*\*\*